

حقوق جزائی

مجازات حبس

تبعد و اقامت اجباری

منظور از تبعد و اقامت اجباری و یا منع آن بطور اجبار در امکانه معین همان تحدید آزادی و حریت فردی خطا کار میباشد چه آنکه انسان در اختیار مسکن و اقامتگاه آزاد و هیچ قوه قانوناً نمیتواند این حق اساسی او را محدود کند جز قانون مجازات که در مقابل ثبوت جرم و اثبات تقصیر دور کردن مجرم را از نقطه بنقطه دیگر تجویز مینماید.

طرز تبعد در بعضی از کشورها که دارای مستمرات هستند فرستادن محکوم است بنقاط مستمره و در بعضی از نقاط دیگر تبعد بکشور بیگانه و یا از شهری بشهریست در داخل کشور.

نظارت پاسبان

از جمله مجازات های تبعی اجراء نظارت پاسبان است در باره محکوم جزائی که پس از رهائی یافتن وی از حبس و زندان بایستی محل خود را تعیین نموده تا اداره پاسبانی او را بمدت معین تحت نظر بگیرد.

اینگونه مجازات در عهد تمدن جدید ساخته شده و بنای تازه ایست که در دوره انقلاب فرانسه طلوع و عرض اندام کرده است.

فایده این مجازات همانا مراقبت از مجرم است که مجدداً بارتکاب جرم مبادرت نماید و در اول وهله تأسیس و بقای این مجازات کشور فرانسه آنرا کاملاً به موقع اجرا گذاشته و اخیراً چون بدستوری برخورد بصورت و کیفیت دیگری در آورده و آن مع اقامت مجرم پس از انقضاء مدت مجازات در امکانه مخصوص و آزادی او است در نقاط دیگر چنانکه در باریک و آلمان نخست الزامی و اجباری بوده و بعد الزام بدل به تخمیر شده است ولی هنوز در بعضی از کشورها بدون نوع الزامی و

مجازات حبس نگاهداری مجرم محکوم است در زندان و اطوار آن باعتبار پیوستگی بکار و بدون کار و یا مقرون بودنش بحالت افراد و اجتماع مختلف و برجند نوع است:

نوع اول حبس دائم و یا موقت با اعمال شاقه که دادگاه مطابق قانون حکم بنگاهداری مجرم در حرز مکافات و تمام مدت عمر یا دوره محدود از زندگی وی داده و روزانه کارهای پر مشقت از قبیل سنگ کشی و استخراج آن و شست و شوی لباس و بکار بردن نلبه و پاک کردن طرق و شوارع و نظایر آنها بر او تحویل و بدین وسیله آزادی و حریت فردی وی را محدود می نماید.

دوم مجازات حبس بدون کار.

سوم مجازات حبس گوناگون انفرادی است در کشور های دنیا که در بعضی از جاها مینمایست زندانی شب ها را تنها بسر برده و روز با سایر زندانیها مشغول کار بشود و در امکانه دیگر معمول آنست که زندانی در تمام دوره شب و روز بتهنائی زیست و درنگ مینماید و در بعضی از نقاط که اجراء حکم مجازات حبس شروع می شود سیره بر این جاری است که محکوم تا انقضاء مدت معین از حبس بحال افراد خواهد بود و همینکه آن مدت سر رفت در بقیه مدت روزانه با سایرین مشغول کار شده و شبها را باحال وحدت و عزلت میگذراند.

مجازات اعمال شاقه

مجازات اعمال شاقه تحویل اعمال نامالایم باعضلات انسانی است در باره محکوم جزائی و مقصود از این مجازات سلب آزادی و حریت فردی اوست که از سلطه و اقتدارش در ساعات دوره زندگی کاسته شده و در تحت تأثیر و اقتدار کانون دیگری برود:

حجر جزائی از لحاظ جنبه مجازات و مصلحت محکوم هر دو است و به تعبیر دیگر نظر بانکه محکوم جزائی در قید و دام حبس گرفتار و قادر نیست امورات خود را باقتضاء مصلحت اداره کند و از طرفی منظور از مجازات حجر مآثم و متأثر ساختن مجرم است بوسیله منع وی از مداخله در امور شخصی تا قدر نباشد ابوابی را که دارد در رفاه و آسایش خویش صرف نمایند از این دو جهت مجازات حجر تأسیس و اختراع شده است و اما حجر مدنی تنها برای رعایت سود و مصلحت آنچنان کسی است که فاقد سنجش بین سود و زیان و قره نصارت در امور شخصی می باشد .

مجازات مالی

یا پاداش باعتبار وارد ساختن زیان

بمال مجرم

مجازات مالی و یا بتعبیر دیگر مجازات نقدی عبارت از بردن مقداری از ثروت و دارائی مقرر است بر طبق حکمی که دادگاه جزائی از لحاظ مجازات و جنبه عمومی در مقابل جرمی که مرتکب بجای آورده است می دهد .

موضوع تعلق مجازات مالی گاه اعیان مخصوص و معینی است که دادگاه حکم بتسلیم آنها بخزانة دولت داده و در نتیجه خزانة جامعه مالک آن اعیان مخصوصه میگردد و این نوع از مجازات در اصلاح دانشمندان حقوق بمصدره نامیده میشود و گاه نتیجه مجازات نقدی اشتغال ذمه محکوم جزائی است بمیلنی از وجه رایج که در وجه خزانة بپردازد بدون آنکه مورد حکم همین مخصوصی باشد و این قسم از مجازات مالی را غرامت مینامند و خلاصه نتیجه حکم بدجازات مالی یا مالکیت خزانة است نسبت بهین مخصوص و مال معین محکوم از قبیل حکم بیایگانی ادوات و آلات و معدن بکار رفته در جرم و نتایج آن و یا دین و بدهی ذمه مقرر است در مقابل خزانة . شق اول را مصدره و دوم را غرامت می گویند .

تخیری جاری است یعنی در جرم جنایت و جنحه که زین آور با امنیت داخلی و خارجی دولت می باشد دادگاه قانوناً مکلف است که بان حکم بدهد و در سایر جرائم جنحه و جنایت معخیر خواهد بود .

مجازات محرومیت از حقوق

یا پاداش باعتبار زیان حاصل از سلب مداخله در

حقوق شخصی و اجتماعی

مجازات محرومیت از حقوق شخصی و اجتماعی يك نوع مجازات تبعی است که قهراً بر اثر محکومیت جنائی و جنحه بطور دائم و یا موقت در باره محکوم جزائی جاری میشود .

مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی باختلاف

کشور های جهان مختلف و مجموع آنها بدین شرح است :

(۱) محرومیت از خدمات و شئون و نشان

های دولتی .

(۲) ممنوعیت از انتخاب و عضویت در هیئت

مندله و مجلس ملی و برای حکم و خبره و وصایت و وکالت .

(۳) محرومیت از اداء شهادت در حضور

دادگاهان .

(۴) منع از تعلیم و تدریس .

مجازات محرومیت از حقوق شخصی حجر قانونی

محکوم جزائی است از مداخله در امور شخصی خود که نتواند در اموال و املاک خویش مداخله و تصرف نماید مگر در امور ازدواج و طلاق و وصیت بنابراین محجور جزائی تا خاتمه اجراء مجازات تحت قیمومت دیگری است و این حجر بغیر از حجر مدنی است که مطابق قانون مدنی اشخاص بواسطه سفاهت و یا جنون از مداخله در امور خود ممنوع میشوند زیرا که حجر مدنی فقط از نقطه نظر مصالح مجنون و سقیه است که چون نمیتوانند سود را از زیان تشخیص بدهند بدین جهت قانون آنها را از مداخله در امور خویش ممنوع ساخته و بقیم واگذار مینماید ولی

مجازات غرامت

مجازات غرامتی عبارت از حکم دادگاه جزائی است در باره مجکوم جزائی برداختن وجه نقد معین بخزانه جامعه و این مجزات از جنبه مجازات های قدیمی است که در دوره یونانیها و رومی ها و عبری ها معمول و متداول بوده است نهایت اشکال و اط-زار مختلفه بخود گرفته و همانطور بحالت اختلاف تا امروز باقی است .

ساختمان اساسی غرامت جزائی

غرامت در يك زیری بطور مقطوع دائر و جاری بود که قاضی و حاکم امر بر طبق مقرره مقرر و مرسوم حکم صادر میکرد تا آنکه دانشمندان حقوق بر اثر تکامل فکری یافتند که میبایست غرامت متناسب با ثروت مجکوم و قابل تجزیه باشد این بود که در بعضی از کشورها همین مقدار غرامت جزائی را بعهده حاکم دادگاه جزائی گذاشته تا آنکه احکام غرامت متناسب ثروت مجرم داده شود و در بعضی از نقاط از لحاظ آنکه واگذار کردن بدادگهان و آن آزادی وسیع ایجاد مشکلاتی نموده و چه بسا احکامی صادر میشد که باوضاع و احوال و کیفیات جرم و ثروت و دارائی مجرم متناسب نبود مجازات غرامت را بدین حد محدود و قانون آنرا چنین ساختند که مقدار غرامت نباید باندازه باشد که زارع و تاجر و صاحب حرفه را بتبرک زراعت و تجارت و حرفه خویش وادار نماید .

عده اینطور اندیشه کردند که باید مقدار غرامت را در نصاب محدود معین کرده و برای آن حد اقل و اکثر قرار گذاشت تا دادگهان بتوانند متناسب ثروت مقصر در مرز اقل و اکثر اوضاع و احوال و چگونگی عمل و جرم حکم بغرامت را طین اقل و یا اکثر و یا حد وسط صادر نمایند .

این فکر باعث شد که مجازات غرامت جزائی را از روی شالوده اقل و اکثر ریخته و ساخته اند .

انواع غرامت جزائی

(۱) بنا و ساختمان غرامت جزائی بدین ساختمان

کلیه مجازاتها بر روی سه شالوده خلاف و جنبه و جنایت گذاشته شده است نهایت غرامت در جرائم جنبه و خلاف بطور مجازات اصلی است و در جنایات تقویمی و تکلیفی که نوعی از مجازات تبعی است خواهد بود و بنا بر این دادگاه مکلف است که در حکم خود بان تصریح نماید راه و سینه برای شناسائی غرامت جنبه و خلاف همانا نصاب حد اقل و اکثر آنها است .

(۲) گناه کانون مجازات غرامت را با حبس ترکیب نموده و گاه آنرا بطور انفرادی سازد و در بعضی از موارد واگذار بدادگانه نموده و در این حکم بحبس بدون غرامت و حکم بغرامت تنها مخیر مینماید .

مشروعیت غرامت جزائی

تردید نیست که مجازات غرامت به مثل سایر مجازات های عمومی باید بموجب نص قانون مجازات باشد که قوه مقننه از لحاظ مجازات و جنبه عمومی آنرا در شماره مجازات آورده و مخصوصاً تصریح نماید بنا بر این غرامت هایی که برای مخالفت با مقررات و نظامات مخصوصه از قبیل تخلف صاحب روزنامه و چاپخانه از نظامات مقرر وضع میگردد و همچنین غرامت های مدنی که بر اثر تخلف متعاقدین از شروط و تعهد مقرر بین یکدیگر ذمه و عهده آنان را فرا گرفته و یا بموجب اصول محاکمات حقوقی اجراء میشود هیچکدام بغرامت جزائی محسوب نیست .

فرق بین غرامت جزائی از اینجا معلوم خواهد شد که اگر عمل مرتکب قانوناً بجرم تشحیس گردید و غرامت آن نیز از لحاظ جنبه عمومی مجزات بشمار آمده و چنانچه قانونگذار عمل را جرم نشناخته نهایت از جهت رعایت نظام اداری برای تخلف از مقررات غرامت وضع نموده مجازات محسوب نخواهد شد .

هدف غرامت

(۱) هدف غرامت جزائی شخص مجرم است نه دیگران چه آنکه هیچ فرقی بین مجازات غرامت و حبس نیست و همانطور که مجزات حبس فقط در باره

اصالی محسوب که در نتیجه دادگاه تمام آنها را برای ارتکاب يك جرم مجرم تشخیص داده و محکوم به مجازات غرامت کرده است قطعی و یقینی است که شخص هر يك مستقل و منفرداً محکوم بتأدیه غرامت قانونی می شوند نه آنکه مجموع آنها بطور شرکت مجموع غرامت قانونی را بردارند و همانطور که هر يك منفرداً و جداگانه مستوجب مجازات حبس گردیده و در باره آنها مدت و نصاب معین قانونی حبس اجراء شده نیز مجازات غرامت بر طبق نصاب قانونی در حق هر يك از آنان بموقع اجرا گذاشته خواهد شد.

مجازات مصادر

حکم بمصادر مال مجرم يك نوع از مجازات تبعی است که آنرا مجازات تمیمی و تکمیلی مینامیم و حقیقت آن عبارت از بایگانی اعیان ادوات و آلات جرم و نتایج حاصله از آن و ادواتی که برای استعمال در ایجاد جرم بکار رفته است میباشد و به تعبیر دیگر همینکه دادگاه متهم را مجرم تشخیص داده و حکم بمجازات وی داد نیز حکم به بایگانی اعیان آلات و ادواتی که ماده جرم را ایجاد نموده و اعیان نتایجی که از ارتکاب جرم بدست آمده است و آلات و ادواتی که مقدمتاً از جهت ایجاد جرم بکار رفته است میدهد و نتیجه چنین حکمی مالکیت خزانه است نسبت باعیان نامبرده نه طلب خزانه بطور کلی و دین ذمه چنانکه پیش گفتیم.

مجازات مصادر از مجازات های قدیم و یادگار ادوار پیشین است که بدو کیفیت خاص و عام دایر و معمول بوده.

اول مصدر عام که عبارت از بایگانی تمام دارائی و ثروت مجرم بود.

دوم مصدر خاص که بایگانی يك قسمت از ثروت مجرم جزائی است.

تکامل افکار حقوقی قسمت اول را از بین برده و فقط مصادر خاص جزء مجازات ها باقی مانده است که هدف آن محدود و در سه مورد از جرائم سه گانه جنحه و خلاف و جنایت جاری است. نا تمام لطفی رئیس استیضاف مرکز

مجرم جاری میگردد نیز مجازات غرامت در حق مجرم اجراء میشود در این صورت مجازات غرامت از اموری نیست که سرایت باعقاب و وارث مجرم کند مگر در مواردی که حکم غرامت مراحل قانونی خود را پیموده و قطعی شده و پس از قطعیت آن محکوم فوت نماید در اینگونه موارد وارث مکلف است که از ترکه مورث غرامت را بردارد زیرا بموجب حکم قطعی ذمه متوفی در حیاتش مشغول و حق خزانه بثروت وی تعلق گرفته و چون فوت کرد ناگزیر وارث مکلف خواهد بود که غرامت را از ثروت باقیمانده متوفی بردارد و اگر بعد از صدور حکم بغرامت و قبل از قطعیت آن محکوم وفات کند وارث تکلیفی برداخت غرامت ندارد چه آنکه حکم غیر قطعی موجب تعلق حق خزانه بثروت متوفی نگردیده تا بقران گفت که تکلیف غیر قطعی در باره وارث قابل اجراء است و همچنین است امر در مواردی که متهم در طی رسیدگی با اتهام وی وفات کرده و جرم اتهامی از جزائمی باشد که در صورت ثبوت و اثبات آن مستوجب مجازات غرامت گردد در این صورت نیز تکلیفی از حیث پرداخت غرامت برای وارث ایجاد نمی شود چنانکه مجازات حبس سرایت باعقاب و بازماندگان در گذشته نخواهد کرد و ملخص استیفاء غرامت کلیتاً از وارث منحصر بمواردی است که مجرم قبل از فوت بموجب حکم قطعی محکوم بتأدیه غرامت شده باشد. اجراء غرامت در باره وارث مطابق قانون مدنی است نه بطوری که در حق شخص محکوم جزائی اجراء میشود و بیان دیگر اگر شخص مجرم در حال حیات از تأدیه غرامت استنکاف میکرد ناچار یکی از دو امر بموقع اجراء گذاشته میشود یا اموال منقول و غیر منقول وی بتوقیف و فروش رسیده و در نتیجه خزانه غرامت را دریافت مینمود و یا در صورت عدم امکان توقیف و فروش او را بتناسب مقدار معین غرامت در مدت معین حبس می نمایند که در حقیقت بهوض غرامت حبس اجرا میشود ولی در حق وارث بدین کیفیت یعنی بحبس و اکراه بدنی اجراء نمیشود.

(۲) هرگاه مجرم متعدد بوده و همگی مرتکب يك جرم شده باشند خواه شرکاء بشمار آمده خواه فاعل